

عوامل توفیق همراهی با ولی امر

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده*

اشاره

از عوامل مهم و نقش آفرین در حفظ و بقای اسلام و دستیابی به قله سعادت دنیوی و آخروی، همراهی امت با ولی امر است؛ همان گونه که یاران سیدالشهدا علیه السلام با همراهی امامشان جان تازه‌ای به کالبد اسلام دمیدند و به چنان مقامی دست یافتند که امام حسین علیه السلام درباره جایگاه و عظمت آنان فرمودند: «من یارانی باوفا تر و بهتر از یاران خود سراغ ندارم و خاندانی نیکوتر و مهربان تر از خاندان خود ندیده‌ام».^۱ همچنین امت اسلامی ایران با همراهی امام خمینی علیه السلام بساط چندصدساله طاغوتیان را از کشور ایران برچیدند و پرچم اسلام ناب محمدی را به اهتزاز درآوردند. امید است در عصر کنونی نیز که دوران غیبت امام عصر بقیة الله الاعظم علیه السلام است، با ادامه همراهی امت اسلام با نایب بر حق ایشان، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای زمینه ظهور آن حضرت و تحقق حکومت عدل جهانی فراهم شود.

گفتنی است مراد از توفیق آن است که خداوند مقدمات وصول به مقصود را برای انسان فراهم کند: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»^۲ و توفیق من جز به خدا نیست. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم». البته توفیق الهی نتیجه اعمال خود انسان است؛ آدمی برای دستیابی به مقام توفیق باید زمینه‌هایی را در خویش پدید آورد و ظرفیت خود را افزایش دهد. برخی از زمینه‌های کسب توفیق عبارت‌اند از: توبه از گناهان (احقاف: ۱۵)، توکل به خدا (قصص: ۲۲)، دعا (نمل: ۱۹) و هجرت (توبه: ۱۱۷ و کهف: ۱۶). پاره‌ای از امور نیز موجب

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۱.

۲. هود: ۸۸.

سلب توفیق می‌شود؛ از جمله: تردید در حقانیت ارزش‌های الهی (توبه: ۴۴ و ۴۵)، سنگدلی (یونس: ۸۸) و کفرورزی (مائده: ۴۱ و توبه: ۴۵).
این نوشتار به مهم‌ترین عوامل توفیق همراهی با ولیّ امر می‌پردازد.

اهمیت و ارزش همراهی با ولیّ امر

در ارزش همراهی امت با امام، همین بس که به قول امام رضا علیه السلام تنها آرزوی همراهی با امام حسین علیه السلام می‌تواند زمینه‌دستیابی به ثواب شهادی در رکاب آن امام را برای آرزوکننده فراهم کند. امام رضا علیه السلام خطاب به ریان بن شبیب فرمود: «یا ریان! ان سرک ان یکون لک من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسین علیه السلام قل متی ما ذکرته: یالیتنی کنت معهم فأفوز معهم فوزاً عظیماً؛^۱ اگر دوست داری ثواب شهیدان کربلا را داشته باشی، هرگاه به یاد آن حادثه افتادی بگو کاش من نیز با آنان بودم و با آنان به رستگاری بزرگ می‌رسیدم». این آرزو نشان از زمینه تفکرات عاشورایی در دل انسان است. آرزوی رستگاری و رسیدن به فیض شهادت در رکاب ولی خدا آرزویی بس شیرین است. این آرزو در زیارت‌نامه‌های آن حضرت با عبارتهای مختلفی بیان شده است؛ از قبیل: «فُزْتُمْ و اللهُ فَلَيْتَ إِنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً»،^۲ «یا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً»،^۳ «فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ مَعَكُمْ»،^۴ جلوه این آرمان مقدس در هر عصری می‌تواند آشکار شود؛ چراکه وقتی هر روز عاشورا و همه مکانی کربلا باشد و سفره جهاد و شهادت به روی پیروان حق گشوده باشد، صداقت مرید و عاشق در این ادعا در جبهه‌های نبردش با ستمگران دیده می‌شود و این آرزو به عمل می‌رسد که نمونه آن در جبهه‌های دفاع مقدس در جمهوری اسلامی مکرر دیده شد. آنان که عمری آرزوی همراهی با ولیّ امر و امام را داشتند و بر غربت و تنهایی مظلومیت حسین علیه السلام گریسته بودند، وقتی کربلای جبهه‌های حق برای نایب امام عصر علیه السلام حضرت روح الله یار و یاور می‌طلبید، به میدان‌های رزم شتافتند و جان را ایثار کردند و در عمل نشان دادند که اگر در کربلای حسین علیه السلام هم بودند، همچون اصحاب شهید آن امام، عاشقانه جان فدا می‌کردند و همراه امام بودند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اول امام حسین، ص ۴۲۴.

۳. همان، زیارت ششم، ص ۴۲۷.

۴. همان، زیارت وارث، ص ۴۳۰.

عوامل همراهی با ولیّ امر

سؤال اساسی این است که چه عواملی سبب شد تا افرادی همچون یاران امام حسین علیه السلام به چنان توفیق همراهی با ولیّ امر خویش دست پیدا کنند؟ به گونه‌ای که نام و یادشان همراه با امام‌شان در تاریخ جاودانه بماند و روزبه‌روز بر عظمت و مقام‌شان در عالم افزون گردد. در این بخش مهم‌ترین عوامل این توفیق بررسی می‌شود.

۱. ولایت‌مداری

ولایت‌مداری یکی از ویژگی‌ها و عواملی است که زمینه‌های همراهی ولیّ امر و حمایت همه‌جانبه از ایشان را برای انسان فراهم می‌کند. ولایت از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسائل دینی و اعتقادی در اسلام به‌ویژه در مکتب تشیع است، بلکه از چنان جایگاه اعتقادی و غنای ارزشی و معنوی برخوردار است که اگر آن را حقیقت و عصاره اصل دین به‌ویژه توحید و خداپرستی نیز حقیقت تدین و ایمان راستین به معتقدات اسلامی بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.^۱

ولایت رکن اصلی و اساسی مکتب اسلام به شمار می‌آید؛ همان‌گونه که در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَكَمَا يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ»^۲ اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و برای هیچ‌کدام از اینها به مانند ولایت فراخوانده نشده است.^۳

ولایت‌مداری به این معناست که تمام اعمال و رفتار انسان به نگاه ولیّ امر انجام می‌شود؛ شخص ولایت‌مدار گوش به فرمان است و اشاره‌های ولیّ امرش را دنبال می‌کند. فرد ولایت‌مدار قبل از هر حرکتی در زندگی به دنبال حجّتی می‌گردد تا رفتار خود را به ولایت ارجاع دهد. یاران امام حسین علیه السلام به دلیل بهره‌مندی از خصلت ولایت‌مداری با آنکه امام بیعت خویش را از آنان برداشته بود، عاشقانه در کنار امام ماندند و با او همراه شدند و جان را فدای ولیّ امرشان کردند. عمرو بن قرظ هنگام اقامه نماز ظهر خود را در مقابل تیرهای دشمنان قرار داد تا به ولیّ امرش آسیبی نرسد و آن‌گاه که از شدت جراحات به روی زمین افتاد، از امام پرسید: «ای پسر پیامبر، آیا وفا کردم؟» امام فرمود: «آری، تو در بهشت پیش روی منی و زودتر به بهشت می‌رسی، سلام مرا به پیامبر برسان».^۳

۱. عبدالله ابراهیم‌زاده آملی، «ولایت‌مداری و بصیرت دینی»، ص ۱۶ - ۳۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، باب دعائم الاسلام، ص ۱۸.

۳. سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۵.

وقتی حبیب بن مظاهر هنگام شهادت مسلم بن عوسجه کنار او حاضر شد و به او بشارت بهشت داد، مسلم به او توصیه نمود دست از امام برندارد تا در راه او کشته شود.^۱

حضرت ابوالفضل علیه السلام مظهر ادب و وفاداری، در شب عاشورا خطاب به امام حسین علیه السلام عرضه داشت: «به خدا سوگند، هرگز از تو جدا نمی‌شویم. جان‌مان فدای جانت باد. با دست‌ها و چهره‌های خون‌آلود از تو حمایت می‌کنیم و اگر کشته شویم، به عهد خویش و آنچه بر عهده ماست وفا کرده‌ایم».^۲

یاران امام زمان علیه السلام نیز به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیروی از مولای خود تلاش‌کننده و کوشا هستند.^۳ عشق و علاقه قلبی آنان به حضرت حجت علیه السلام چنان است که در روایتی آمده است: «[آنان] برای تبرک دست بر زمین مرکب امام می‌سایند و بر گردِ امام می‌چرخند و با جان و دل او را در جنگ‌ها یاری می‌کنند».^۴

ولایت‌مداری و همراهی یاران امام حسین علیه السلام چنان توانست بعد از قرن‌ها در مردم ایران تأثیر گذاشت که آنان را در همراهی و دلدادگی به رهبرشان به جایگاهی رساند که امام خمینی رحمته الله علیه درباره وفادارای و ولایت‌مداری فرمود: «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام می‌باشند».^۵

نمونه دیگر از ویژگی ولایت‌مداری یاران امامین انقلاب را می‌توان در مکتب شهید سلیمانی جستجو کرد. ایشان در وصیت‌نامه خویش درباره ضرورت حفظ روحیه ولایت‌مداری و همراهی با نایب امام زمان فرموده است: «برادران و خواهرانم، ... به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. واللہ واللہ واللہ این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند ... برادران و خواهران عزیز ایرانی

۱. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۵.

۲. لوط بن یحیی ابومنخنف، وقعة الطف، ص ۱۹۹.

۳. ابوعبدالله محمد بن جعفر نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۶.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۵. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۰.

من! ... از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید ...»^۱

۲. ایثار و فداکاری

ایثار به معنای فداکاری و تقدیم دیگران بر خود است. همراهی و حمایت جانانه تا مرز شهادت با ولیّ امر با داشتن روحیه ایثار و فداکاری مقدور است؛ از این رو ایثار و فداکاری در کربلا به اوج خود رسید. یاران سیدالشهدا تا زنده بودند، اجازه نمی‌دادند کسی از خاندان اهل بیت علیهم‌السلام به میدان برود؛ همچنین بنی هاشم تا زنده بودند، نگذاشتند دشمنان به امام حسین علیه‌السلام نزدیک شوند و امام نیز در نهایت جان خویش را نثار دین خدا کرد.

امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا پس از آنکه بیعت را از یاران خود برداشت، هر کدام از آنان به شیوه‌ای اعلام فداکاری کردند و گفتند: «پس از تو، زندگی را نمی‌خواهیم و خود را فدای تو می‌کنیم»^۲.

هنگام نماز ظهر، برخی از اصحاب امام حسین علیه‌السلام، جان خویش را نثار کردند تا امام نماز خود را بخواند. ابوالفضل عباس علیه‌السلام با لب تشنه وارد فرات شد؛ اما به یاد تشنگی امام حسین علیه‌السلام آب ننوشید. زینب علیه‌السلام پس از شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام، جان خویش را سپر بالای امام سجاد علیه‌السلام قرار می‌داد و ... این صحنه‌ها چنان درس ایثار را به آیندگان داد که هزاران جوان ایرانی با ایثار جان خویش در مبارزات انقلاب و دفاع مقدس جان خویش را در راه همراهی و حمایت از امام خمینی ره نایب ولیّ امر فدا کردند و اکنون نیز عده‌ای جان خود را برای دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام فدا می‌کنند.

خصلت ایثار از ویژگی‌های یاران امام زمان علیه‌السلام نیز است. امام باقر علیه‌السلام درباره وجود ایثار در یاران امام زمان علیه‌السلام می‌فرماید: «در زمان قیام قائم دوران رفاقت فرا می‌رسد. مردم به سراغ مال برادران خود رفته و حاجت خویش برمی‌گیرند و هیچ‌کس آنان را منع نمی‌کند»^۳.

۳. شهادت طلبی

بررسی سخنان و سیره عملی یاران سیدالشهدا علیه‌السلام در واقعه عاشورا نشان از آن است که داشتن

۱. قاسم سلیمانی، وصیت‌نامه الهی - سیاسی، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

روحیه شهادت طلبی از عوامل مهم همراهی آنان با ولی امرشان امام حسین علیه السلام بوده است؛ به گونه‌ای که اصحاب آن حضرت هر اندازه به کربلا نزدیک‌تر می‌شدند، این فرار از فرمایش حضرت را در خویش نمایان می‌کردند که در ابتدای قیام فرمود: «مَنْ كَانَ فِينَا بِأَذَلٍّ مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُزَحَلْ مَعَنَا»^۱ هر کسی قصد دارد نفس خویش را در راه ما قربانی کند و آماده ملاقات با خداست، با ما حرکت کند».

اوج روحیه شهادت طلبی عاشوراییان و عشق آنان به لقای حق را می‌توان در پاسخ‌شان به امام حسین علیه السلام در شب دهم محرم دریافت که امام فرمود: «من نه یارانی باوفا تر و بهتر از یاران خود سراغ دارم و نه خانواده‌ای شایسته‌تر و پُربوندتر با خویشاوند، از خانواده خودم می‌شناسم؛ پس خداوند از جانب من به شما پاداش نیک دهد. هان، من به شما اجازه [رفتن] دادم. بروید که شما از جانب من آزادید. اکنون شب است، در تاریکی آن بروید و از آن، پوششی زیبا [برای رفتن‌تان] برگزید».^۲

یا آنجا که بعد از سخنان امام حسین علیه السلام، برادران، فرزندان، برادرزادگان آن حضرت و فرزندان عبدالله بن جعفر گفتند: «برای چه این کار را بکنیم؟ تا پس از تو زنده باشیم؟ خداوند هرگز آن روز را برای ما پیش نیاورد». نخستین کسی که این سخن را گفت، عباس بن علی علیه السلام بود و دیگران نیز از او پیروی کردند و چنین سخنانی گفتند. آن‌گاه امام حسین علیه السلام فرمود: «یا بَنِي عَقِيلِ! حَسْبُكُمْ مِنَ الْقَتْلِ بِمُسْلِمٍ، اذْهَبُوا قَدْ أُذِنَتْ لَكُمْ؛ ای پسران عقیل، کشته‌شدن مسلم شما را بس است، بروید که من به شما اجازه رفتن دادم». آنان گفتند: «مردم چه خواهند گفت؟ می‌گویند بزرگ و سرور خود و فرزندان بهترین عمویمان را رها کردیم و در یاری او یک تیر هم نینداختیم و یک نیزه و یک ضربت شمشیر نزدیک و ندانستیم چه کردند. نه، به خدا این کار را نمی‌کنیم. جان و مال و اهل خود را فدایت می‌کنیم و همراه تو می‌جنگیم، تا هرچه بر سر شما آید بر سر ما نیز همان بیاید که زندگی پس از تو بدبختی است». آن‌گاه مسلم بن عوسجه اسدی برخاست و گفت: «اگر تو را رها کنیم، نزد خداوند چگونه عذر آوریم؟ به خدا سوگند با آنان چنان می‌جنگم که نیزه‌ام در سینه‌هایشان بشکند و تا قبضه شمشیرم به دستم باشد، آنان را می‌زنم و اگر سلاح برای جنگیدن نداشته باشم، به دفاع از تو سنگ‌شان می‌زنم؛ ولی هرگز تو را رها نمی‌کنم تا با تو بمیرم». پس از او سعید بن عبدالله حنفی برخاست و عرض کرد: «نه، به خدا ای پسر پیغمبر، ما

۱. علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۳۰.

۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۶۵.

هرگز تو را رها نمی‌کنیم تا خداوند بداند که ما در غیاب پیامبرش از تو [که فرزندش هستی] محافظت کردیم و اگر بدانم که در راه تو کشته می‌شوم و سپس زنده می‌شوم و سوزانده می‌شوم و سپس ذرات وجودم را به باد می‌دهند و هفتادبار با من چنین می‌شود، از تو جدا نمی‌شوم تا آنکه در رکاب تو کشته شوم. چرا چنین نکنم با اینکه یک کشته‌شدن بیش نیست و به دنبال آن عزتی جاودانه خواهد بود». زهیر بن قین هم برخاست و گفت: «به خدا قسم دوست داشتم هزار مرتبه کشته شوم، سپس زنده شوم و در عوض خدای متعال کشته‌شدن را از تو و جوانان اهل بیت تو برطرف کند». همه یاران امام حسین علیه السلام که به همین مضامین سخن گفتند که به خدا سوگند تو را رها نمی‌کنیم، بلکه جان‌هایمان را فدایت می‌کنیم و دست و صورت و گردن خود را سپر بالای تو قرار می‌دهیم که اگر در رکاب تو کشته شویم، به عهدی که با پروردگار خود بسته‌ایم، وفادار بوده و وظیفه‌ای که بر عهده داریم، انجام داده‌ایم».^۱

همچنین گفته شده است در این شب، حضرت قاسم فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام از عمویش امام حسین علیه السلام سؤال کرد: آیا من هم کشته می‌شوم؟ امام حسین علیه السلام که از او پرسید: مرگ در نظر تو چگونه است؟ گفت شیرین‌تر از عسل. امام فرمود: آری، عمویت فدای تو، تو هم یکی از مردانی هستی که پس از گرفتاری و امتحان بزرگی کشته خواهی شد.^۲

این روحیه شهادت‌طلبی در یاران امام خمینی همچون آیت‌الله سعیدی چنان تجلی کرد که در ابراز وفاداری و همراهی خود با امام فرمودند: «به خدا سوگند، اگر مرا بکشید و خونم را بر زمین بریزید، در هر قطره خونم، نام مقدس خمینی را خواهید یافت ... حضرت امام شبیه‌ترین عالمان به ولی الله، امام زمان علیه السلام و آباء طاهرینش می‌باشد».^۳

نمونه دیگر از تجلی شهادت‌طلبی و همراهی جانانه ملت ایران با رهبر عزیزشان امام خمینی علیه السلام، جمله عجیب مادر شهیدان جوادی‌نیا به حضرت امام خمینی علیه السلام است. ایشان مادر چهار شهید دفاع مقدس است. در دیداری حضوری با حضرت امام علیه السلام عکس فرزندان شهیدش را با خود آورده بود. عکس اول را در آورد و گفت: این پسر اولم محسن است. عکس دوم را گذاشت روی عکس محسن: این پسر دومم محمد است، دو سال با محسن تفاوت سنی داشت. عکس سوم را

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۴۱؛ احمد ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۹۵.

۲. قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۷-۸۴۸؛ حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۲۰۴.

۳. نرگس ملکی، «من پاسدار خمینی‌ام: نگاهی به زندگی و مجاهدت شهید آیت‌الله سیدمحمد سعیدی»، ص ۳۸.

آورد و گذاشت روی عکس محمد؛ تا خواست بگوید این پسر سومم ... سرش را بالا آورد و دید شانه‌های امام علیه السلام می‌لرزد. امام علیه السلام گریه‌اش گرفته بود. مادر شهیدان فوری عکس‌ها را زیر چادرش جمع کرد و خیلی جدی گفت: «چهار تا پسر رو دادم که اشکتو نینم».^۱

آری، همین روحیه شهادت‌طلبی ملت ایران توانست زمینه همراهی و یاری ملت ایران با رهبر عزیزشان امام خمینی علیه السلام را فراهم کند؛ به گونه‌ای که سلطه چندصدساله طاغوتیان را از کشور ایران کرد و پرچم حکومت علوی را به اهتزاز درآورد.

در نتیجه تحقق ارزش‌های الهی و صعود هر جامعه‌ای به رشد و تکامل و نجات از هرگونه مشکلات و انحرافات و همچنین حفظ و بقای ارزش‌ها، مشروط به وجود رهبری الهی است که امتش همیشه و در همه صحنه‌ها حامی و همراه او باشد. این همراهی با ولی امر هم زمانی نصیب امت و یارانش می‌شود که امت از سه ویژگی اساسی و ریشه‌ای «ولایت‌مداری»، «ایشان» و «شهادت‌طلبی» برخوردار باشد. همان‌گونه که کشور ایران به دلیل وجود رهبران مقتدر مثل امام خمینی و رهبر معظم انقلاب با ملتی همراه و شهادت‌طلب توانسته است کشور را از ظلم و ستم ظالمان نجات داده و زمینه بیداری مظلومان جهان و دستیابی مسلمانان به تمدن نوین اسلامی را فراهم کند. امید آنکه با نهادینه کردن این سه ویژگی در امت اسلامی در آینده‌ای نزدیک این پرچم توحیدی به دست صاحب اصلی و ولی امر مسلمانان حضرت حجت بن الحسن مهدی علیه السلام در سراسر عالم به اهتزاز درآید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله، «ولایت‌مداری و بصیرت دینی»، مجله حصون، ش ۲۲، زمستان ۱۳۸۸.
۲. ابن‌اعثم کوفی، محمد بن علی احمد، الفتوح، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۷ ق.
۴. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مقتل، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۲ ق.
۵. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۶. خبرگزاری کتاب ایران، تاریخ انتشار سه شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۵:۴۸

۱. خبرگزاری کتاب ایران، سه‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۱.

۷. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۸. سلیمانی، قاسم، وصیت‌نامه الهی - سیاسی، تهران: انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۰.
۹. سید بن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، بیروت: روائع العربی، ۱۳۸۷ ق.
۱۱. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، تهران: برهان، ۱۳۷۹.
۱۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: قائم آل محمد، ۱۳۸۵.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۶. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم: معروف، ۱۳۷۶.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. ملکی، نرگس، «نیمه پنهان ماه، من پاسدار خمینی ام: نگاه‌ی به زندگی و مجاهدت شهید آیت‌الله سید محمد سعیدی»، مجله امتداد، ش ۲۹، خرداد ۱۳۸۷.
۱۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷.